

بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع و چالش‌های پیش‌رو

داوود منظور^۱

امیرمحمد رحیمی^۲

محسن محمدی^۳

چکیده

در جهان امروز بانکداری اسلامی توانسته است خود را به‌عنوان یک نهاد مالی مقتدر به جهانبان معرفی کند. اکنون در بسیاری از کشورها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، نه تنها بانکداری و مالیه اسلامی در کنار نظام بانکی متداول در حال فعالیت است، بلکه در برخی موارد گوی سبقت را از آن‌ها ربوده است. گرچه بانکداری اسلامی نوین با سابقه‌ای سی‌ساله پا به میدان رقابت جدی با نظام بانکداری متعارف گذاشته است و دارای سرعت رشد و ترقی امیدوارکننده است، لیکن هنوز هم قدرت رقابتی و ابعاد عملیاتی این صنعت در سطح بین‌المللی، محدود و اندک است. شاید بتوان دلیل آن را مشکلات و موانع فراوانی دانست که نظام بانکی اسلامی به‌تبع نظام مالی اسلامی، با آن‌ها روبه‌رو است. پژوهش حاضر ابتدا به‌صورت اجمالی به تشریح تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی با نظام بانکی متعارف می‌پردازد، سپس با در نظر گرفتن وضعیت موجود بانک‌های اسلامی، به بررسی اهم مشکلات کنونی این مؤسسات، از جمله: وجود ملاحظات فقهی، نبود چارچوب‌های قانونی، نظارتی و نهادی مناسب، محدودیت بازارها و ابزارهای مالی اسلامی، وجود مشکلات عملیاتی، حاکمیت شرکتی، مسئله نقدینگی و مدیریت ریسک و موضوع آموزش، تحقیق و توسعه مؤلفه‌های نظام بانکی اسلامی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری متداول، نظام مالی اسلامی.

^۱ استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی - دانشگاه امام صادق

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی - دانشگاه امام صادق

مقدمه

صنعت بانکداری با تجهیز پس اندازها و هدایت آنها به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی، نقش مهمی در اقتصاد جوامع ایفا می‌کند. متفکران مسلمان با گسترش صنعت بانکداری به فکر استفاده از این پدیده افتادند، لیکن بیشتر فعالیت‌های بانک متعارف را براساس قرض با بهره یافتند، که از نظر اسلام ربا و ممنوع است، از این رو ابتدا تلاش کردند با حفظ عملیات بانکداری متعارف، توجیه‌های شرعی پیدا کنند، لیکن استدلالی که مورد پذیرش علمای دین باشد به دست نیامد. در این جا بود که برخی اندیشمندان اسلامی درصدد طراحی بانکی براساس اصول اسلامی برآمدند که نتیجه آن در قالب بانکداری اسلامی متجلی گردید.

بانکداری اسلامی، به‌عنوان یک پدیده جدید، رشد تصاعدی خود را از خاورمیانه در حدود سه دهه پیش آغاز کرد. در همین مدت کوتاه، این صنعت به رشد سالانه‌ی بیش از ۱۵ درصد رسیده، در سطح جهانی به شکلی گسترده مطرح شده و در بیش از ۷۵ کشور به ارائه خدمات مشغول است. باید توجه داشت که نظام بانکداری اسلامی به‌عنوان یک واقعیت در حال توسعه دیده شود. این تجربه باید به‌صورت بی‌طرفانه مورد ارزیابی قرار گیرد و مشکلات آن به‌دقت بررسی شود تا رشد و شکوفایی این دستاورد عظیم استمرار یابد.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است که پس از تشریح تفاوت‌های بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف، به بررسی جامعی از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام بانکداری اسلامی پرداخته شود.

۱- نظام بانکی اسلامی و متعارف: شباهت‌ها و تفاوت‌ها

نظام بانکی و مالی اسلامی در برخی اهداف با نظام بانکی و مالی رایج مشترک است. از جمله می‌توان به استفاده از وجوه مازاد در اقتصاد برای سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه، تسهیل تجارت و مبادله، ارائه خدمات مالی و فراهم آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد. (۱۶)

در هر اقتصاد انتقال وجوه از پس اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران یا به وسیله تأمین مالی مستقیم یا از طریق فرایند واسطه‌گری مالی در بازارهای مالی انجام می‌گیرد. بانک‌ها به‌عنوان بزرگترین واسطه‌های مالی به‌وسیله کاهش دادن هزینه‌های معاملاتی، حل مشکل تطابق سررسیدها، ریسک و حجم وجوه و همچنین کاهش هزینه‌های معاملاتی و کنترلی و یک کاسه‌سازی

وجوه خرد و سرگردان خانوارها، نقش بسیار مهمی در اقتصاد ایفا می‌کنند. عملکردهایی که برای بانک به‌طور کلی بیان شد از منظر اجتماعی به راستی مفید هستند. (۷)

گرچه نظام بانکی اسلامی در وظایف پیش‌گفته با نظام بانکی متعارف مشترک است، لیکن باید به این نکات مهم توجه داشت که مبنای فلسفی و اخلاقی نظام بانکی رایج، ارائه‌ی الگوی سرمایه‌داری مالی، غیردینی و دنیا محور است. در حالی که نظام بانکی اسلامی بر مبنای فلسفه و اخلاق اسلامی و دستورالعمل‌های شریعت پایه‌گذاری شده است (۱۴). نظام متعارف بانکی فقط بر جنبه‌های اقتصادی و مالی تمرکز دارد، در صورتی که نظام بانکی اسلامی علاوه بر آن بر مسائل اخلاقی، رفتاری، ابعاد اجتماعی و دینی نیز تأکید مشابهی دارد تا جامعه از عدالت و برابری در سطح عموم برخوردار شود (۸). عوامل روانی- اجتماعی شکل‌دهنده رفتار عمومی اقتصادی و مالی در ساختار بانکداری اسلامی نیز با فاکتورهای مربوط به بانکداری سنتی، کاملاً تفاوت دارند. یک سرمایه‌گذار مسلمان و معتقد، برای خود یک وظیفه و کارکرد اجتماعی (البته در چارچوب کسب و کار حلال و نه صدقه‌دادن و اعانه) در برابر دیگران احساس می‌کند. سرمایه‌گذاران مسلمان می‌کوشند تا با استفاده از عقود اسلامی، سرمایه خود را در اختیار افرادی قرار دهند که توانایی فعالیت اقتصادی مفید و سالم را دارند و از این راه، هم آن‌ها را به سرمایه‌ای که مورد نیازشان است، برسانند و هم خود از این میان، سود مالی و معنوی کسب کنند.

یکی دیگر از صفات متمایزکننده بانکداری اسلامی از بانکداری سنتی، به اهتمام و توجه درخور ملاحظه این نظام به فعالیت‌های اقتصاد حقیقی و دوری جستن از اقتصاد زیرزمینی بر می‌گردد. به بیان دیگر، در بانکداری و مالیه اسلامی، خبری از فعالیت‌های کاذب اقتصادی، که اقتصاد را در برابر نوسان‌ها و تحولات پیش‌بینی نشده در بازارهای مالی، آسیب‌پذیر می‌سازد نیست، چرا که بخش مالی بانکی به بخش واقعی اقتصاد گره خورده است.

گفتنی است که ایده بانکداری اسلامی، علاوه بر ریشه‌داشتن در واقعیات، برآمده از دین مبین اسلام است. چارچوب اصلی نظام بانکی اسلامی را مجموعه‌ای از اصول و قوانین تشکیل می‌دهد که مرجع آن شریعت است. شریعت مجموعه قوانینی است که از قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) منبث شده است. تفصیل این قوانین توسط فقها براساس قرآن و سنت ارائه شده است. برخی از این اصول عبارتند از: ممنوعیت ربا، ممنوعیت احتکار، حرمت غرر، وفای به عهد، مشارکت در سود و زیان و ممنوعیت فعالیت‌های نامشروع، پول به‌عنوان سرمایه بالقوه.

۲- مشکلات پیش‌روی نظام بانکی اسلامی

هر سیستم در جهت دستیابی به یک هدف غایی ایجاد می‌شود و در مسیر رسیدن به آن هدف شروع به حرکت می‌کند. شرايطی که در این مسیر ممکن است حرکت به سوی غایت را به مخاطره بیندازد، را مشکل یا چالش می‌نامیم (۶).

محققان و بانکداران مسلمان طی سه دهه گذشته پیشرفت‌های ستودنی به‌دست آورده‌اند، لیکن با این همه مفاهیم و کارکردهای موجود در نظام بانکداری و مالی اسلامی همچنان در مراحل اولیه توسعه قرار دارد و همچنان با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو است (۷). نظام بانکی اسلامی برای دستیابی به اهداف غایی خود و غلبه بر نظام بانکی متعارف لازم است که به‌نحوی مناسب، سریع و هوشمندانه به مقابله با این چالش‌ها برخیزد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

۲-۱- ملاحظات فقهی - شرعی

بانکی اسلامی نامیده می‌شود که بر مبنای احکام شریعت عمل کند. تفسیر مسائل شرعی بر عهده فقها است. این در حالی است که علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی مانند تشیع، شافعی، حنفی، ... هر کدام دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. حتی در یک مذهب نیز فقها دارای فتواهای متفاوت در خصوص یک موضوع هستند. برای مثال، در مورد اینکه آیا "ربا" و "بهره" دارای یک معناست یا نه بین مذاهب مختلف، نقطه نظر مشترک وجود ندارد (۱۳).

نظام بانکی اسلامی بر مبنای تعریف‌ها و تفسیرها و فتواهای فقها شکل می‌گیرد. در صورتی که این تعاریف و مبانی یکسان نباشند، اجزاء این سیستم نمی‌توانند با یکدیگر همخوانی و تعامل مناسب داشته باشند و در نتیجه کلیت نظام بانکی اسلامی در سطح جهانی دچار خدشه می‌شود. این اختلافات‌ها در بلندمدت مانع رسیدن بانکداری اسلامی به یک الگوی واحد جهانی می‌گردد. برای مثال اختلاف نظر درباره بحث جریمه تأخیر تأدیه بدهی‌های ناشی از فروش نسبه و گرفتن کارمزد برای ضمانت بانکی و خرید و فروش ارز برای بانکداران اسلامی ابهامات فراوانی را ایجاد کرده است (۱).

نبود استانداردها که از اختلاف نظر بین فقها ناشی می‌شود، نه تنها نظام بانکی اسلامی را با افزایش هزینه‌ها، ابهام و بی‌نظمی و اتلاف وقت مواجه می‌سازد، بلکه مقبولیت بانکداری و مالیه اسلامی را نیز مخدوش می‌کند و مردم و کارگزاران را دچار سردرگمی خواهد کرد که واقعیت بانکداری اسلامی چیست؟ کدام یک از بانک‌های اسلامی واقعاً اسلامی هستند؟ این مشکل در مواردی

که بانکی اسلامی کمیته فقهی خاص خود را داشته باشد حادث می‌شود، چرا که هر کدام از این کمیته‌ها تفسیر خاص خود از بانکداری اسلامی را دارند و بر اساس آن کار می‌کنند (۹).

۲-۲- چارچوب حقوقی - قانونی مناسب

پیشینه طولانی مدت بانکداری متعارف منجر به ایجاد یک بدنه قانونی و حقوقی پخته و مستحکم شده است. اما از آنجا که نظام بانکی اسلامی نظامی نوظهور است، تکنیک‌های قانونی و نظارتی سازگار با بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی هنوز به درستی ایجاد نشده و توسعه نیافته است (۱۳). حتی قانون تجارت در اکثر کشورهای اسلامی نیز نوعی نسخه‌برداری از قوانین غرب می‌باشد. قوانینی که در بسیاری از موارد توجهی به ملاحظات بانکداری اسلامی ندارند و بانک‌های اسلامی را محدود و مجبور به رعایت و حرکت در چارچوب قوانین تجارت غربی می‌کند. برای مثال می‌توان به مباحث کفایت سرمایه کمیته "بال"^۱ اشاره کرد. کمیته بال با توجه به تعریف متعارف از بانک، الزاماتی را مطرح می‌کند که بانک‌های اسلامی نیز مجبور به رعایت آن‌ها هستند. در حالی که فعالیت و حوزه عملکرد و در آخر ریسک بانک‌های اسلامی بسیار با بانک‌های متعارف متفاوت است (۲۰). نمونه دیگری که نشان دهنده لزوم بازنگری در نظام‌های مقررات‌گذاری است، مبحث "تبعیض مالیاتی" می‌باشد. نظام مالیاتی اکثر کشورها به نظر می‌رسد که به سود بانکداری متعارف عمل می‌کند، زیرا "بهره" هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود، لیکن "سود" که جایگزین آن در نهادهای مالی اسلامی است، سپر مالیاتی ایجاد نمی‌کند و قابل کسر در محاسبه مالیات نیست (۵).

نظام بانکی اکثر کشورها - جز چند کشور مانند: ایران، سودان، پاکستان - بر مبنای نظام متعارف شکل گرفته است. عواملی وجود دارد که اثبات می‌کند بانک مرکزی و دیگر مراجع قانونی و نظارتی این کشورها باید با بانک‌های اسلامی متفاوت از بانک‌های متعارف برخورد کنند. چرا که :

الف - بانک‌ها مقداری از ذخایر خود را باید نزد بانک مرکزی نگهداری کنند. بانک مرکزی به این ذخایر "بهره" می‌دهد، لیکن بانک‌های اسلامی به علت تحریم "ربا" نمی‌توانند از این بهره استفاده کنند.

^۱ Basel Committee

ب- بانک مرکزی به‌عنوان "آخرین قرض‌دهنده" در شرایط بحرانی به بانک‌ها وام می‌دهد، لیکن بانک‌های اسلامی به‌دلیل تحریم ربا نمی‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند.

ج- یکی از دلایل وجود ذخیره قانونی در بانک‌های متعارف، به‌دلیل ایجاد ایمنی برای بانک هنگام برداشت سپرده‌ها است، درحالی‌که در بانک‌های اسلامی بخشی از سپرده‌ها در قالب مضاربه و مشارکت است و نمی‌توان همان حکمی که بر سپرده‌های دیداری جاری می‌شود بر آن‌ها راند.

د- در بانک متعارف هنگامی که وام داده می‌شود، رابطه قطع می‌شود، اما در بانک اسلامی به‌ویژه در عقود مشارکتی، مادامی که پروژه به اتمام نرسیده رابطه تنگاتنگ بین بانک و تسهیلات‌گیرنده وجود دارد (۷).

معلوم است که اعتماد مردم به یک بانک جز با آگاهی از اینکه بانک مرکزی در صورت بروز بحران‌ها از آن حمایت خواهد کرد و نخواهد گذاشت بانک به ورشکستگی دچار شود، فراهم نمی‌شود. پس وظیفه بانک مرکزی کشورهای اسلامی است که بیانیه‌ای روشن به همه مردم چه داخل و چه خارج از کشور بدهند مبنی بر اینکه مقامات پولی کشور، همواره پشتیبان بانک اسلامی هستند. از این‌رو لازم است که چارچوب قانونی - حقوقی با توجه به شرایط نهادهای مالی اسلامی و الگوی تجارت اسلامی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد.

۳-۲- چارچوب نظارتی مناسب

نهادهای نظارتی و قانونگذاری بانکی در هر کشوری می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در توسعه صنعت بانکداری و مالیه آن کشور بازی کنند. این مسئله در مورد صنعت بانکداری اسلامی، مصداق بیشتری پیدا می‌کند، زیرا عملکرد درست و مطلوب نهادهای نظارتی می‌تواند زمینه‌ساز حضور موفق‌تر بانک‌های اسلامی در سیستم‌های بانکی غیراسلامی شده و بسیاری از مشتریان سایر بانک‌ها را به سمت خدمات مالی منطبق بر شریعت اسلامی، جذب کند. براین اساس، نهادهایی چون بانک مرکزی و وزارت دارایی، قادر خواهند بود تا موانع موجود بر سر راه ورود بانک‌های اسلامی به سیستم‌های مالی غیراسلامی را مرتفع کنند و اطلاع‌رسانی عمومی مطلوبی را در مورد مزایا و برتری‌های عملیاتی بانکداری اسلامی اعمال کنند (۱۹).

هم‌اکنون نبود یک چارچوب نظارتی قوی و مؤثر برای نهادهای مالی اسلامی و بخصوص بانک‌های اسلامی، یکی از ضعف‌های عمده نظام مالی اسلامی محسوب می‌شود. این مسئله

ایجاب می‌کند کار زیادی در این زمینه انجام پذیرد. استقرار یک نظام نظارتی خوب موجب افزایش اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران، شفافیت و نظم بازار و همچنین ایجاد اطمینان از پایداری و ثبات نظام مالی اسلامی خواهد شد.

نظارت هم از جنبه مالی و هم از جنبه شرعی ضرورت دارد. به نظر می‌رسد هر بانک اسلامی باید یک هیئت فقهی آشنا با مسائل بانکی که مورد تأیید مراجع عظام است داشته باشد. وجود این هیئت‌ها سبب اطمینان مشتریان مسلمان نسبت به سازگار بودن قراردادهای و عملیات بانک با شریعت اسلام می‌گردد. باید توجه داشت تشکیل چنین هیئت‌هایی تنها موقعی سودمند است که بانک‌های اسلامی از یک نظم مشترک پیروی کنند، ضمن اینکه می‌بایست بین این هیئت‌های فقهی یک وحدت رویه و عقیده وجود داشته باشد.

نقشی که نهادهای ناظر بر عملکرد بانک‌های اسلامی ایفا می‌کنند، نقشی دو وجهی است: از یک سو، این نهادها به اعمال نظارت‌های سنتی و متداول بر صنعت مالیه اسلامی می‌پردازند و از سوی دیگر، می‌توانند زمینه‌ساز رشد و توسعه مطلوب در این حوزه باشند (۱۷).

بی‌گمان افزون بر نظارت‌های اعمال شده در درون کشورها، نیاز مبرمی به تدوین و اجرای مقررات بین‌المللی و فراگیر در حوزه بانکداری اسلامی احساس می‌شود که در نتیجه این احساس نیاز، هیئت خدمات مالی اسلامی^۱ برای تدوین استانداردهای جامع بانکداری اسلامی بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد (۱۹).

۴-۲- چارچوب نهادی مناسب

هر نظامی ملزومات نهادی خودش را می‌طلبد. در کنار بانک‌های اسلامی نیز لازم است گروهی از نهادهای دیگر ایجاد شود تا زنجیره نهادی تکمیل شده و آن‌ها بتوانند درست فعالیت کنند. اگر اجزاء نظام کامل ایجاد نشوند، نمی‌توان انتظار داشت که کلیت نظام بتواند عملکرد خوبی داشته باشد. بانک‌های اسلامی سراسر دنیا تلاششان این است که از چارچوب نهادی بانکداری متعارف به‌عنوان پشتیبان استفاده کنند، درحالی‌که باید چارچوبی نهادی برای آن‌ها وجود داشته باشد که با هنجارها و نیازهای آن‌ها همگام و همسو باشد. ایجاد یک زیرساخت نهادی مناسب را شاید بتوان مهم‌ترین چالش بانکداری اسلامی دانست (۷).

^۱ IFSB: Islamic Finance Services Bord

نظام‌های بانکی سازمان‌یافته و قاعده‌مند، همواره از زیرساخت‌های خاص و قدرتمندی برخوردارند که به کمک آن‌ها می‌توانند پوشش حمایتی مناسبی را برای بانک‌ها و مؤسسات مالی خود، فراهم آورند. در سیستم‌های مالی غیراسلامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی از طرق مختلف تحت حمایت این زیرساخت‌ها قرار دارند و با استفاده از همین حمایت‌ها، عملیات و فعالیت‌های روزانه خود را به پیش می‌برند و تا حد زیادی از هزینه‌های حاشیه‌ای خود می‌کاهند، از این‌رو باید نهادهایی مانند: بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، مؤسسات اعتبارسنجی اسلامی، شرکت‌های بیمه اسلامی، مؤسسات امین اسلامی، مؤسسات مشاوره سرمایه‌گذاری اسلامی، صندوق‌های مشاع اسلامی، نهادهای ناظر قانونی و شرعی، ... تشکیل شود تا زنجیره نهادی نظام بانکی اسلامی تکمیل گردد.

۵-۲- ایجاد بازار سرمایه و بازار پول مناسب

نهادهای بانک‌های متعارف از ظرفیت بازار ثانویه حداکثر استفاده را می‌برند. آن‌ها با خرید اوراق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، مانند اوراق قرضه و دیگر ابزارهای مالی متنوع در بازار ثانویه هم مدیریت نقدینگی و ریسک خود را انجام می‌دهند و هم به کسب "سود تجاری" می‌پردازند. نگهداشت سرمایه حتی برای مدت بسیار کوتاه در دنیای پرسرعت امروز هزینه فرصت بالایی دارد. بانک‌های متعارف از ظرفیت بازار پولی بین خودشان حداکثر استفاده را می‌برند و از وام‌دادن و جوه کلان در چند ساعت سودهای بزرگی نصیب خود می‌کنند. با توجه به این مسئله که بازارهای مبادلات بین بانکی غیراسلامی، در بردارنده ربا و مصادیق آن هستند، بانک‌های اسلامی قادر به ورود به این بازارها نبوده و نیازمند طراحی بازارهای مجزا و اسلامی برای انجام مبادلات بین بانکی خود با هدف اعمال مدیریت بر نقدینگی خود می‌باشند (۱۹). قدرت بانک‌های تجاری متعارف از همکاری بین آن‌ها ایجاد شده است. هم‌اکنون بانک‌های اسلامی به‌طور منفرد عمل می‌کنند، درحالی‌که برای قدرتمند شدن باید با هم ارتباطات بیشتر داشته و بازار بین بانکی اسلامی بین‌المللی وجود داشته باشد (۷). خوشبختانه در زمینه ایجاد بازار بین‌المللی اسلامی اقداماتی صورت گرفته است. بازار مالی بین‌المللی اسلامی در نوامبر ۲۰۰۱ به‌وسیله دولت‌ها، بانک‌های مرکزی و آژانس‌های مالی کشورهای مالزی، بحرین، اندونزی،

سودان و نماینده بانک توسعه اسلامی^۱ تأسیس شد و از ابتدای آوریل ۲۰۰۲ فعالیت خود را آغاز کرد، اهداف اصلی این بازار عبارتند از:

الف- ایجاد یک بازار مالی بین‌المللی که براساس اصول و قواعد شریعت پایه‌ریزی شده باشد.

ب- توجه به موضوعات مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی

ج- توسعه بازارهای ثانویه فعال

د- ایجاد محیطی که مؤسسات غیراسلامی تشویق شوند تا در بازار ثانویه مشارکت کنند(۲).

۶-۲- ابزارهای مالی اسلامی

بازارها همواره رو به گسترش و پیچیده‌تر شدن هستند. نهادهای مالی به جهت حفظ بقا و کسب مزیت رقابتی در این شرایط، لازم است که نوآوری داشته باشند. تا به حال تنها از قراردادهای سنتی استفاده می‌شد که با توجه به نیازهای زمان پیامبر اکرم (ص) تکامل یافته بودند. لیکن باید توجه داشت که نیازهای امروز متفاوت هستند و باید نوآوری به خرج داد و شکل‌های جدیدتری از ابزارهای مالی اسلامی را ارائه نمود(۷).

هم‌اکنون گفته می‌شود که ابزار اصلی و اساسی نظام بانکداری اسلامی، ابزارهای مبتنی بر تسهیم سود و زیان نظیر مشارکت هستند. اما مشاهده می‌شود در عمل کمتر از ۲۰ درصد تسهیلات بانک‌های اسلامی در قالب عقود مشارکتی داده می‌شوند. این به‌خاطر مشکلات بی‌شمار این ابزارها از جمله طبیعت بلندمدت و پرمخاطره و هزینه‌بری آن‌هاست(۱۹).

یکی از مشکلات به‌کارگیری عقود اسلامی در بانکداری، مسدود شدن نقدینگی است. بانک‌های اسلامی برای حل این مشکل ابتدا سود علی‌الحساب را مطرح کردند، لیکن این موضوع شبیهه‌صوری بودن معاملات را تقویت می‌کرد و از نظر شرعی نیز ایراد پیدا می‌کرد. همچنین از سوی دیگر همه‌ی نیاز متقاضیان کار با نظام بانکی را برآورده نمی‌کرد. برای حل این مشکل متفکران حوزه اقتصاد و مالیه‌اسلامی با به‌کارگیری تکنیک مهندسی مالی به طراحی ابزارهای نوین مالی اسلامی پرداختند. یکی از این ابزارها صکوک است که جانشین انواع اوراق قرضه در نظام مالی متعارف شده است.

^۱ IDB

به هر حال گستره علم مهندسی مالی فراخ است و لزوم پرداختن به آن با توجه به اصول کلی شریعت، بسیار روشن است. اما سوگمندان سرعت نوآوری و خلق ابزار جدید به میزان مطلوب نیست و این موضوع همت کارشناسان علم مالی و اقتصاد اسلامی را می‌طلبد (۷).

۷-۲- مشکلات عملیاتی

۷-۲-۱- عدم اجرای مشارکت در سود و زیان

در فقه معاملات دو دسته از عقود متصور است: دسته اول عقود مشارکتی، با ویژگی‌هایی مثل ریسکی بودن، عدم تعیین سود تا زمان سررسید و اعتماد طرفین و دسته دیگر شامل عقود مبادله‌ای با ویژگی‌هایی نظیر نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده، نبود ریسک برای بانک می‌باشد. در نظام بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی به‌عنوان اساس این نظام معرفی شده که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در صورت مورد استفاده قرار گرفتن نظام مشارکت در سود و زیان است که بازگشت سرمایه به تولید بستگی پیدا می‌کند، تخصیص بهینه وجوه محقق می‌شود، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه میزان اشتغال افزایش می‌یابد، سفته بازی و احتکار از بین می‌رود و در کل اهداف اقتصاد اسلامی محقق می‌شود (۱۱).

اما عملاً اجرای مشارکت در سود و زیان به شکل گسترده برای بانک ممکن نیست به دلیل:

الف- وجود اطلاعات نامتقارن:^۱ هنگامی که متقاضی تأمین مالی قرارداد مشارکت، یک طرح یا فعالیت اقتصادی را برای دریافت تسهیلات به بانک معرفی می‌کند، خود متقاضی، تقریباً اطلاعات کافی و لازم درباره هزینه و بازدهی آن در اختیار دارد، لیکن بانک از این اطلاعات به مقدار کافی برخوردار نیست و شناخت کافی نسبت به هزینه و بازدهی فعالیت اقتصادی ندارد.

ب- هزینه‌های مربوط به کنترل و نظارت: اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت از طریق فرستادن ناظر در مدیریت و اجرای فعالیت اقتصادی و یا تدبیر روشی برای انجام این عمل امکانپذیر است. با توجه به اینکه بانک با قراردادهای مشارکت زیادی روبه‌رو خواهد بود، در نتیجه برای هر کدام از آن‌ها باید همین روش را در پی گیرد، بنابراین هزینه‌های مربوط به کنترل و نظارت برای بانک به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

^۱ Asymmetric Information

ج- انتخاب معکوس^۱: بانک با توجه به محدودیت منابع با توجه به اظهار نظرات متقاضیان و بررسی اجمالی طرح‌های آنان، به انتخاب طرح‌ها می‌پردازد. مسئله "انتخاب معکوس" زمانی به وجود می‌آید که متقاضیان تأمین مالی، توانایی‌ها و نیز سوابق کاری خود را به هنگام ارائه طرح اقتصادی پنهان کنند (۱۵).

د- خطر اخلاقی^۲: یکی دیگر از آثار اطلاعات نامتقارن، خطر اخلاقی است؛ مشکل خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد است و در پایان فعالیت شرکت بروز می‌کند و آن هنگامی است که متقاضیان تأمین مالی، فعالیت‌ها و عمل خود در اجرای طرح را پنهان می‌کنند (۱۵). این از جمله مهم‌ترین چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت است که اگر بخواهد به درستی، قرارداد مشارکت را اجرا کند یا باید در همهٔ قراردادهای، حضور و نظارت کافی داشته باشد که هزینه زیادی را متوجه بانک خواهد کرد و یا اگر بخواهد متقاضی را به‌عنوان اداره کنندهٔ شرکت انتخاب کند در پایان فعالیت با مشکل "خطر اخلاقی" روبه‌رو خواهد شد.

۲-۷-۲- الگوهای حسابداری

رویه‌های حسابداری که بانک‌های اسلامی باید به اجرا بگذارند مشکل تکنیکی دیگری است که بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی اسلامی با آن روبه‌رو هستند. بانک‌های اسلامی بر مبنایی متفاوت از بانک‌های متعارف از نظر اهداف، مفروضات و اصول ایجاد شده‌اند. این مبنایی به تراکنش‌هایی متفاوت نظیر حساب‌های مشارکت در سود و زیان و .. می‌انجامد.

بانک‌های متعارف رویه‌های حسابداری یکسانی دارند. از این‌رو حتی در سطح جهان به‌راحتی می‌توان صورت‌های مالی و در نتیجه عملکرد آن‌ها را با هم مقایسه کرد. لیکن شباهت نداشتن صورت‌های مالی بانکداری اسلامی با آن‌ها باعث می‌شود که نتوان مقایسه معناداری انجام داد (۷).

گسترش سریع و شگفت‌آور بانکداری و مالیه اسلامی که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، با تدوین و تعیین مقررات و قوانین حسابداری و حسابرسی کافی و مطلوب همراه نشد. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۳ با هدف پرکردن این خلا، در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد. یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین وظایف این سازمان، تعیین و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی مطلوبی است که از سوی کلیه مؤسسات مالی اسلامی فعال در سرتاسر جهان قابل رعایت و اجرای

¹ Adverse Selection

² Moral Hazard

³ AAOIFI: Accounting And Auditing Organization for Islamic Financial Institution

آن لازم باشد (۱۹). اما به نظر می‌رسد که این مؤسسه قدرت و پشتوانه قانونی لازم برای اجبار نهادهای مالی و بانکی اسلامی برای رعایت این استانداردها ندارد.

۳-۷-۲- جریمه و خسارت تأخیر تأدیه

هم‌اکنون بیشتر بانک‌های اسلامی از عقود مبادله‌ای استفاده می‌کنند که موجب بدهی است (مانند مرابحه). اگر کارگزار بدهی خود را در زمان مقرر پرداخت نکند، سود بانک به مخاطره می‌افتد. بانک اسلامی اگر بخواهد به‌خاطر دیرکرد بازپرداخت از بدهکار جریمه یا زیان خود را مطالبه کند، ربای جاهلی می‌شود که حرام است. تسهیلات گیرندگان نیز از سیستم بانکی اسلامی به دلیل آرامش خاطر از نبود جریمه، گرایش به تأخیر پیدا می‌کنند. بانک هم اگر بخواهد وثیقه سنگین مطالبه کند، عملاً امکان استفاده از تسهیلات را محدود به گروه ثروتمندان کرده است (۱).

۴-۷-۲- مشکل هماهنگی با نرخ‌های بهره بین‌المللی

بانک‌های اسلامی در رقابت با بانک‌های متعارف هستند. از این‌رو آن‌ها ناگزیرند که در تعیین حاشیه سود خود با نرخ بهره بین‌المللی هماهنگ باشند و گرنه به دلیل پایین بودن یا بالا بودن سودشان نسبت به نرخ بهره، سپرده‌گذاران یا تسهیلات گیرندگان از آن‌ها رویگردان می‌شوند. اما از سوی دیگر برای بانک‌ها هماهنگی با نرخ بهره بسیار مشکل‌ساز است. زیرا نمی‌توانند سرمایه‌های خود را همچون بانک‌های متعارف در بازارهای پولی ربوی به کار گیرند (۱).

۵-۷-۲- حاکمیت شرکتی^۱

موضوع حاکمیت شرکتی که در نهادهای متعارف غربی مطرح است، در بانک‌های اسلامی نیز با مقداری تفاوت، مشاهده می‌شود. در نهادهای متعارف، سپرده‌گذاران نیازی به حقوق کنترلی جز در هنگام ورشکستگی نهاد ندارند. در هنگام ورشکستگی است که سپرده‌گذاران به‌عنوان اعتبار دهنده، حق اعمال نظر پیدا می‌کنند. آن‌ها در این حد که مطمئن شوند اصل و سود سپرده‌هاشان تضمین شده است اطلاعات لازم دارند. اما در بانک‌های اسلامی سپرده‌گذاران چون در مواردی وارد عقود مشارکتی می‌شوند، در سود و زیان شریک بانک محسوب می‌شوند.

^۱ Corporate Governance

درحالی‌که این سپرده‌گذاران به میزان سهامداران بانک ریسک پذیرفته‌اند- زیرا که اصل و سود سرمایه‌شان تضمین شده نیست- اما به‌همان میزان قدرت اعمال نظر و کنترل ندارند(۴). بنابراین لازم است روی این تناقض به‌طور جدی کار شود. یعنی علاوه بر جنبه‌های مشترک بحث حاکمیت شرکتی بر جنبه‌های خاص آن در بانک‌های اسلامی تمرکز شود تا شفافیت، نظم و کارایی به نظام مالی اسلامی وارد شود و اطمینان خاطر سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی تأمین شود.

۶-۷-۲- مدیریت ریسک و مدیریت نقدینگی

مدیریت ریسک یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که توسط هر بانک صورت می‌پذیرد. بانک مرکزی نیز با ابزارهای خاص خود بر میزان ریسک هر بانک نظارت دقیق می‌کند تا از حد مجاز فراتر نرود. چرا که ورشکستگی یک بانک بر کل نظام مالی کشور تأثیر خواهد گذاشت. اهمیت ریسک و مدیریت آن به‌ویژه در دهه‌های اخیر دو چندان شده است و کسب مزیت رقابتی در عصر کنونی به میزان زیادی منوط به مهارت بانک در مدیریت ریسک می‌باشد. بانک‌های اسلامی و متعارف دارای برخی ریسک‌های مشترک‌اند، مانند ریسک تغییر نرخ ارز، ریسک بازار، ریسک اعتباری، ... لیکن در برخی دیگر متفاوت هستند. به‌عنوان مثال، بانک‌های متعارف به‌دلیل ترکیب دارایی‌هایشان به‌شدت در معرض ریسک تغییر نرخ بهره هستند، درحالی‌که بانک‌های اسلامی به‌دلیل ماهیت بلندمدت تراکنش‌ها و معاملات بیشتر در معرض مخاطرات ناشی از سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها هستند. همچنین بانک‌های اسلامی در معرض ریسک غیرشرعی بودن معاملات نیز هستند که بانک‌های متعارف به‌هیچ وجه با آن مواجه نیستند. به‌علت محدود بودن و تنوع کم ابزارهای مالی اسلامی جهت مدیریت ریسک و همچنین دشوار بودن اندازه‌گیری کمی ریسک به‌علت پیچیدگی قراردادهای مالی اسلامی، دشواری و اهمیت مدیریت ریسک اسلامی دو چندان شده است(۱۳). بانک‌های اسلامی مانند سایر بانک‌ها باید نیازهای نقدینگی خود را برآورده سازند. اما آن‌ها در این خصوص به‌دلایل زیر همواره با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو بوده‌اند. اهم این دلایل عبارتند از:

الف- ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های با سررسید نسبتاً بلندمدت

ب- جذب منابع به‌صورت سپرده‌های کوتاه و میان‌مدت

ج- نبود بازار ثانویه فعال (با قدرت نقل و انتقال بالا) برای وام‌ها و تسهیلات اعطایی

- ۵- پایین بودن قدرت نقدشوندگی دارایی‌های مالی اسلامی (به دلیل پاره‌ای مسائل فقهی و اجرایی).
- ۵- صورت گرفتن معاملات اسلامی از طریق مبادله مالکیت دارایی حقیقی.
- و- ممنوعیت سرمایه‌گذاری در ابزارهای مبتنی بر بهره.
- ز- عدم قابلیت مبادله پول به‌عنوان یک کالا.
- مدیریت نقدینگی اسلامی دو بعد دارد: بعد اول به جایگزینی وجوه مازاد می‌پردازد و بعد دوم به رفع کمبودها و نیازهای نقدینگی کوتاه مدت می‌پردازد (۱۸). به همین جهت بانک‌ها و مؤسسات اسلامی نسبت به سایر مؤسسات با چالش بزرگتری روبه‌رو هستند. زیرا ممکن است ابزارهای مشابه اسلامی برخلاف کاربردشان در بانکداری متعارف فقط برای یکی از دو بعد کاربرد داشته باشند. همچنین باید توجه داشت که بازاری قابلیت به‌کارگیری برای مدیریت نقدینگی را خواهد داشت که دارای ۱- ناشرانی متعدد با سطح اعتبارها و ریسک متفاوت ۲- اوراق صکوک متنوع با سررسیدهای متفاوت ۳- زیرساخت فناوری اطلاعات باشد (۱۰).

۷-۷-۲- جهانی سازی و رقابت جهانی

بانک‌های اسلامی دارای گروهی مشتریان منحصر به فرد و دائمی هستند، مسلمانانی که به علت تقید به رعایت احکام شرع، پول خود را فقط در بانک‌های اسلامی می‌گذارند. لیکن هر چه نوآوری و توسعه بانکداری و مالی اسلامی گسترده‌تر می‌شود، حجم بیشتری از وجوه از سمت سیستم متعارف به سمت بانک‌های اسلامی می‌آید. بنابراین خیلی از بانک‌های بزرگ و جهانی متعارف به جهت حفظ بازار خودشان و جذب سرمایه‌های مسلمانان که تقریباً یک پنجم جمعیت جهان هستند، به سمت ایجاد شاخه‌های اسلامی آمده‌اند. از جمله سیتی بانک^۱، ای بی سی اینترنشنال^۲، منهتن^۳، اچ اس بی سی^۴، ... و این بدین معناست که بازیگران جدی و قوی زیادی دارند وارد بازار مالی اسلامی می‌شوند و فرصت انحصاری بانک‌های اسلامی را از بین خواهند برد. اینکه بانک‌های اسلامی نوپا بتوانند در رقابت مقابل چنین مؤسسات و بانک‌های قوی و قدرتمندی مقاومت کنند بسیار مشکل است. چرا که این مؤسسات و نهادها دارای

^۱ citibank

^۲ ABC international

^۳ manhatan

^۴ HSBC

تجربه‌ای بسیار زیاد، راهبرد قوی، شبکه بازاریابی جهانی، شهرت جهانی، کارشناسان بسیار و ... هستند (۷).

انتظار می‌رود رقابت بانک‌های اسلامی با بانک‌های جهانی متعارف به‌زودی به خاطر موضوع جهانی‌سازی وارد مرحله جدیدی شود. این روند بانک‌های اسلامی را هم در برابر چالش‌ها و فرصت‌های بزرگی قرار می‌دهد. از یک سو، دسترسی بانک‌های اسلامی به کل مناطق جهان بیشتر می‌شود و می‌توانند حجم انبوهی از سپرده‌های اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیرمسلمان را جذب کنند، همچنین با دسترسی به بازارهای متعدد و امکان استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری سرتاسر جهان، پرتفوی خود را گسترده‌تر کرده و ریسک کل را پایین آورده و بازده کل را افزایش دهند (۷). ولی از سوی دیگر آن‌ها در معرض رقابت شدید و بی‌سابقه‌ای با بانک‌های بسیار قوی متعارف بین‌المللی مانند سیتی‌گروپ^۱ قرار می‌گیرند. پاسخ به این پرسش که آیا بانک‌های اسلامی در این رقابت حذف می‌شوند یا نه بسیار مشکل است. لیکن آشکار است که بانک‌های اسلامی به تنهایی بسیار کم توان و کوچک هستند و لازم است که ادغام‌های گسترده و مشارکت‌های متعدد انجام دهند تا بتوانیم شاهد چند ابر بانک اسلامی قابل رقابت با بانک‌های متعارف باشیم. به بیان دیگر لازمه حیات، ادغام است و لازمه ادغام پیدا کردن دیدگاه مشترک، انعطاف‌پذیری و ارتقاء درجه همکاری بین نهادهای مالی اسلامی است. همراه راهبرد ادغام، اقدامات دیگری نیز برای مواجهه با خطرات بیرونی و درونی از جمله عملیات نهاد باید انجام بپذیرد. جهانی‌سازی می‌تواند فرصت‌های بسیار خوبی برای جذب سرمایه‌ها ایجاد کند، لیکن این به‌طور گسترده‌ای منوط به ایجاد زیرساخت‌های مناسب و اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های هوشمندانه است (۳).

۸-۷-۲- آموزش، تحقیق و توسعه

آموزش، تحقیق و توسعه برای گسترش و تعمیق کلیه حوزه‌های علوم ضروری است. بانکداری اسلامی هم جزو رشته‌های جدید محسوب می‌شود که بسیار جای کار دارد. مشکل هنگامی بروز می‌کند که آشکار می‌شود مدیران و کارکنان بانک‌های اسلامی چندان به مسائل شرعی واقف نیستند و عالمان دینی هم به مسائل تخصصی مالی و اقتصادی واقف نیستند. سوگمندان

^۱ Citigroup

کسانی که در هر دو حوزه متخصص باشند بسیار اندک‌اند. همین‌طور بین این دو گروه زبان مشترک وجود ندارد. بنابراین تبادل مفاهیم بسیار کند صورت می‌گیرد (۷).

در چنین شرایطی لازم است که از یک‌سو دوره‌های تخصصی برای طلبه‌های علوم دینی در زمینه مالی و اقتصاد گذاشته شود و از سوی دیگر با ایجاد مراکز و دوره‌های آموزشی متعدد کارکنان آشنا با مسائل مالی و مذهبی برای انجام امور مدیریتی و عملیاتی تربیت شوند. متأسفانه نهادهای مالی اسلامی بخش خیلی کمی از درآمدهایشان را صرف تحقیق و توسعه می‌کنند. از این‌رو، تعجب‌آور نیست که سرعت نوآوری و ابزارسازی در نظام مالی اسلامی بسیار پایین باشد. کمبود کارکنان آموزش دیده و خلاق به کندی نوآوری در ابزارها و محصولات مالی اسلامی انجامیده است (۸).

۳- بانکداری اسلامی، افق‌های جدید

سهم و سرعت رشد نظام بانکی و مالی اسلامی در سال‌های اخیر بسیار بیشتر شده است. به‌طوری‌که براساس اظهارات صندوق بین‌المللی پول، هم‌اکنون بالغ بر ۳۰۰ بانک و نهاد مالی اسلامی در بیش از ۷۵ کشور جهان مشغول فعالیت هستند. همچنین ارزش تقریبی بازارهای مالی اسلامی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که این رقم به‌طور میانگین ۱۵ درصد رشد داشته است (۱۲).

با این حال، قابلیت‌های فراوانی برای فعالیت و خدمات‌رسانی گسترده‌تر بانک‌های اسلامی در سراسر نقاط جهان وجود دارد که از آن استفاده نمی‌شود. عامل اصلی عدم شکوفایی این پتانسیل‌ها هم ناآشنایی کافی سیاستگذاران و اقتصاددانان جهان با مزایای بانکداری اسلامی است. بدیهی است که هرچه آشنایی و درک سازمان‌های جهانی، دولت‌ها و نهادهای مالی کشورها، از نحوه عملکرد و مزیت‌های رقابتی و نقش‌آفرینی مثبت و غیرتورمی بانک‌های اسلامی بیشتر و بهتر باشد، بستر مناسب‌تری برای گسترش فزاینده این الگوی بانکی اخلاق‌گرا فراهم خواهد شد (۱۹).

تقریباً تمام مسلمانان با مذاهب گوناگون بر سر موضوع تشکیل نظام مالی و بانکی اسلامی توافق دارند. چنین توافق فراگیری بر سر کمتر مسئله‌ای در جهان اسلام مشاهده شده است. این توافق می‌تواند یک نقطه آغاز و محور وحدت بسیار خوبی برای امت اسلامی باشد. به نظر می‌رسد که چند نکته عامل ایجاد چنین شرایط مناسبی شده است (۱۷):

اول: نارضایتی گسترده از عملکرد نظام بانکی ربوی متعارف بعد از جنگ جهانی دوم.

دوم: بیداری مسلمانان برای بازیابی عظمت گذشته امت اسلامی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام.

سوم: گرایش روزافزون مردم جهان به اخلاقیات و معنویت (۱۹)

نباید این نکته فراموش شود که مسلمانان بخش اعظم معادلات جهانی را در بر گرفته‌اند. بنابراین انگیزه و تقاضای بالقوه زیادی در سطح جهانی برای نظام بانکی اسلامی موجود است. با توجه به مطالبی که عنوان شد بی‌گمان به شرط آنکه متفکران و مسئولان حوزه نظام مالی و بانکداری اسلامی با چالش‌های مذکور به‌نحوی مناسب، کارا و مؤثر برخورد کنند و در جهت رفع مشکلات مذکور دست به دست هم دهند، از ظرفیت‌های پژوهشی حوزه و دانشگاه استفاده کنند، با فقها ارتباط بیشتری برقرار کنند، تکنیک‌های بانکی غیرمعارض با اصول شرع را بومی‌سازی کنند، اتحاد جهانی اسلامی ایجاد کنند و از پراکنده‌کاری و دوباره‌کاری بپرهیزند، می‌توان آینده‌ای بسیار روشن را برای نظام مالی و بانکی اسلامی انتظار داشت. البته این موضوع نباید باعث غرور، غفلت و امید بیجا شود چرا که آن چیز که موجب فراهم شدن شرایط و فرصت کنونی شده است، معلوم نیست که در آینده هم به همین شکل موجود باشد. پس باید واقع بین بود و از فرصت کنونی حداکثر استفاده را برد. اگر از این فرصت مناسب درست استفاده نشود تهدیدی برای خود نظام خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محققان در حوزه‌های مالی و بانکداری اسلامی طی چند دهه گذشته تلاش بسیاری برای اجرای آموزه‌های آسمانی شریعت مبین اسلام در نظام بانکی متحمل شده‌اند و پیشرفت‌های ستودنی به‌دست آورده‌اند. عملیات بانکداری اسلامی با موفقیت چشمگیر مواجه بوده است و این موضوع نه تنها مورد توجه صاحبان سرمایه و کارگزاران - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - قرار گرفته، بلکه علاقه بسیاری از متفکران غربی را نیز برانگیخته است. اما به هر حال نظام بانکی اسلامی در مقابل نظام‌های قدرتمند و قدیمی متعارف، بسیار جوان است و با مشکلات، نقاط مبهم و چالش‌های بی‌شماری روبه‌روست. باید دانست که هیچ کدام از این مشکلات درمان‌ناپذیر نیستند و با دوراندیشی، همت، همدلی و سیاستگذاری درست می‌توان علاوه بر رفع ضعفها و کمبودها، دست به نوآوری زد و وارد قلمروهای جدید شد تا به فضل خدا شاهد استقرار نظام بانکی اسلامی در سراسر جهان باشیم.

کتابنامه

الف. فارسی

۱- القرى بن عید، محمدعلی: *مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل آن‌ها*، ترجمه: مصباحی مقدم، غلامرضا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ۱۳۸۴.

ب. انگلیسی

2-Abdulmajid, Abdul Rais: *Development Of Liquidity Management Instruments*, Challenges And Opportunities, International Conference on Islamic Banking: Risk Management, Regulation and Supervision Jakarta – Indonesia, Sept 30- to October 3, 2003.

3-Al-Ajlouni, A: *Developing Strategies for Islamic Banks to Face the Future Challenges of Financial Globalization*, Proceedings of the 2nd Islamic Conference, 2007.

4-Archer, S: *Islamic Finance: Opportunities & Challenges Corporate Governance Issues*, World Bank Seminar, Washington DC, April 24 2006.

5- Chapra M. Umer: *The Islamic Financial System: An Evaluation of the Achievements So Far And The Direction For The Future*, Islamic Research and Training Institute (IRTI) Islamic Development Bank (IDB), Jeddah, 2005.

6-Chapra M. Umer: *Challenges Facing the Islamic Financial System*, Islamic development bank ,Islamic research and training institute, jeddah, Saudi Arabia, 1999.

7-Iqbal, M. Ahmad, AKhan, T: *Challenges Facing Islamic Banking, islamic research and training institute*, islamic development bank ,occasional paper no.1, 1998.

8-Iqbal, Z: *Islamic financial system : world bank*, finance and development, june 1997.

9-Iqbal, Z., & Mirakhor, A: *Progress and challenges of Islamic banking*. Thunderbird International Business Review, 1999.

10-Ijlal,Alvi:*Need for a global unified Sukuk market Key challenges & role of Islamic Financial Institutions*, International Islamic financial market. 5th September,2007.

11-Ismail,A.G.Ahmed,I:*Does the Islamic financial system design matter?*. humanomics ,vol 22,no1,2006

12-Karasik ,T, Wehrey ,F, Strom,S:*Islamic Finance in a Global Context: Opportunities and Challenges*,Chicago Journal of International Law; Winter 2007; 7, 2; Academic Research Library,2007

13-Karbhari, Y,Naser,K,Shahin,Z:*Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West*,The Case of the UK, Thunderbird International Business Review,Vol,September–October 2004 © 2004 Wiley Periodicals, Inc,2004.

14-Loqman,M:A *brief note on Islamic financial system .managerial finance*, vol 25,no 5,1999.

15-Omar Farooq, Mohammad:*Partnership,Equity-financing and Islamic finance:Whither,profit-Loss-Sharing?*Draft from www.globalwebpost.com, August 2006.

16-Patel,E:*Fundamentals Of Islamic Finance*,accountancy SA, Johannesburg,Agu 2006.

17-Siddiqi,M,Nejatullah:*Comparitive Advantages Of Islamic Banking And Finance*,Presented at Harvard University Forum on Islamic Finance,6 April 2002 .

18-Siddiqi,ahmad,ali:*Islamic liquidity management alternatives, presentation in Islamic financial market conference*, January,2007.

19-Solé,Juan:*Introducing Islamic Banks into Conventional Banking Systems,International Monetary Fund*, IMF Working Paper,2007.

20-Turk,R,Sarieddine,Y,Harati,H:*Challenges in Implementing Capital Adequacy Guidelines:A case study of an Islamic Bank*,Lebanese American University , january2007.